



تاریخ اسلام در شبه‌قاره هند

(رشته تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی)

دکتر محمود صادقی‌علوی

امروزه کتاب‌خوانی و علم‌آموزی، نه تنها یک وظیفه‌ی ملی، که یک واجب دینی است.

مقام معظم رهبری

در عصر حاضر یکی از شاخصه‌های ارزیابی رشد، توسعه و پیشرفت فرهنگی هر کشوری میزان تولید کتاب، مطالعه و کتاب‌خوانی مردم آن مرز و بوم است. ایران اسلامی نیز از دیرباز تاکنون با داشتن تمدنی چندهزارساله و مراکز متعدد علمی، فرهنگی، کتابخانه‌های معتبر، علما و دانشمندان بزرگ با آثار ارزشمند تاریخی، سرآمد دولت‌ها و ملت‌های دیگر بوده و در عرصه‌ی فرهنگ و تمدن جهانی به‌سان خورشیدی تابناک همچنان می‌درخشد و با فرزندان نیک‌نهاد خویش هنرنمایی می‌کند. چه کسی است که در دنیا با دانشمندان فرزانه و نام‌آور ایرانی همچون ابوعلی سینا، ابوریحان بیرونی، فارابی، خوارزمی و ... همچنین شاعران برجسته‌ای نظیر فردوسی، سعدی، مولوی، حافظ و ... آشنا نباشد و در مقابل عظمت آنها سر تعظیم فرود نیاورد. تمامی این افتخارات ارزشمند، برگرفته از میزان عشق و علاقه فراوان ملت ما به فراگیری علم و دانش از طریق خواندن و مطالعه منابع و کتاب‌های گوناگون است. به شکرانه‌ی الهی، تاریخ و گذشته ما، همیشه درخشان و پربار است. ولی اکنون در این زمینه در چه جایگاهی قرار داریم؟ آمار و ارقام ارائه‌شده از سوی مجامع و سازمان‌های فرهنگی در مورد سرانه‌ی مطالعه‌ی هر ایرانی، برایمان چندان امیدوارکننده نمی‌باشد و رهبر معظم انقلاب اسلامی نیز از این وضعیت بارها اظهار گله و ناخشنودی نموده‌اند.

کتاب، دروازه‌ای به سوی گستره‌ی دانش و معرفت است و کتاب خوب، یکی از بهترین ابزارهای کمال بشری است. همه‌ی دستاوردهای بشر در سراسر عمر جهان تا آنجا که قابل کتابت بوده است، در میان دست‌نوشته‌هایی است که انسان‌ها پدید آورده و می‌آورند. در این مجموعه‌ی بی‌نظیر، تعالیم الهی، درس‌های پیامبران به بشر، و همچنین علوم مختلفی است که سعادت بشر بدون آگاهی از آنها امکان‌پذیر نیست. کسی که با دنیای زیبا و زندگی‌بخش کتاب ارتباط ندارد بی‌شک از مهم‌ترین دستاوردهای انسانی و نیز از بیشترین معارف الهی و بشری محروم است. با این دیدگاه، به‌روشنی می‌توان ارزش و مفهوم رمزی عمیق در این حقیقت تاریخی را دریافت که اولین خطاب خداوند متعال به پیامبر گرامی اسلام (ص) این است که «بخوان!» و در اولین

سوره‌ای که بر آن فرستاده‌ی عظیم‌الشان خداوند، فرود آمده، نام «قلم» به تجلیل یاد شده‌است: «اقْرَأْ وَ رَبُّكَ الْأَكْرَمُ. الَّذِي عَلَّمَ بِالْقَلَمِ» در اهمیت عنصر کتاب برای تکامل جامعه‌ی انسانی، همین بس که تمامی ادیان آسمانی و رجال بزرگ تاریخ بشری، از طریق کتاب جاودانه مانده‌اند.

دانشگاه پیام‌نور با گستره‌ی جغرافیایی ایران‌شمول خود با هدف آموزش برای همه، همه‌جا و همه‌وقت، به‌عنوان دانشگاهی کتاب‌محور در نظام آموزش عالی کشورمان، افتخار دارد جایگاه اندیشه‌سازی و خردورزی بخش عظیمی از جوانان جویای علم این مرز و بوم باشد. تلاش فراوانی در ایام طولانی فعالیت این دانشگاه انجام پذیرفته تا با بهره‌گیری از تجربه‌های گرانقدر استادان و صاحب‌نظران برجسته کشورمان، کتاب‌ها و منابع آموزشی درسی شاخص و خودآموز تولید شود. در آینده هم، این مهم با هدف ارتقای سطح علمی، روزآمدی و توجه بیشتر به نیازهای مخاطبان دانشگاه پیام‌نور با جدیت ادامه خواهد داشت. به‌طور قطع استفاده از نظرات استادان، صاحب‌نظران و دانشجویان محترم، ما را در انجام این وظیفه‌ی مهم و خطیر یاری‌رسان خواهد بود. پیشاپیش از تمامی عزیزانی که با نقد، تصحیح و پیشنهادهای خود ما را در انجام این وظیفه‌ی خطیر یاری می‌رسانند، سپاسگزاری می‌نماییم. لازم است از تمامی اندیشمندانی که تاکنون دانشگاه پیام‌نور را منزلگاه اندیشه‌سازی خود دانسته و ما را در تولید کتاب و محتوای آموزشی درسی یاری نموده‌اند، صمیمانه قدردانی گردد. موفقیت و بهروزی تمامی دانشجویان و دانش‌پژوهان عزیز آرزوی همیشگی ما است.

دانشگاه پیام‌نور

فهرست مطالب کتاب

نه	مقدمه
۱	فصل اول
۱	اهداف کلی
۱	اهداف یادگیری
۱	۱-۱ ویژگی‌های طبیعی و جغرافیایی
۴	۲-۱ مذهب و جامعه
۷	۳-۱ گذری بر تاریخ‌نویسی در شبه‌قاره هند، در دوره اسلامی
۹	۱-۳-۱ تحقیق ماللهند
۱۱	۲-۳-۱ برهان مآثر
۱۲	۳-۳-۱ تاریخ فرشته
۱۵	۴-۳-۱ تاریخ آصف‌جاهیان/ گلزار آصفیه
۱۶	۵-۳-۱ لب‌التواریخ هند/ لب‌اللباب / تاریخ لب‌اللباب
۱۷	۶-۳-۱ منتخب‌اللباب
۱۸	۷-۳-۱ جهانگیرنامه / توزک جهانگیری
۱۸	۸-۳-۱ اکبرنامه تاریخ گورکانیان هند
۲۱	۹-۳-۱ پادشاه‌نامه
۲۲	پرسش‌های تشریحی
۲۲	پرسش‌های تستی
۲۵	فصل دوم
۲۵	اهداف کلی
۲۵	اهداف یادگیری
۲۵	۱-۲ نفوذ اسلام در هند
۲۶	۲-۲ ماهیت دین اسلام
۲۷	۳-۲ تجارت
۳۱	۴-۲ مهاجرت

۳۳	۵-۲ تصوف و اسماعیلیه
۳۸	۶-۲ مناسبات فرهنگی و اجتماعی شبه‌قاره با ایران
۳۹	پرسش‌های تشریحی
۳۹	پرسش‌های تستی
۴۳	فصل سوم
۴۳	اهداف کلی
۴۳	اهداف یادگیری
۴۳	۱-۳ دورهٔ خلفا
۴۵	۲-۳ دورهٔ امویان و عباسیان
۴۶	۳-۳ دورهٔ غزنویان
۵۰	۴-۳ دورهٔ غوریان
۵۴	پرسش‌های تشریحی
۵۴	پرسش‌های تستی
۵۷	فصل چهارم
۵۷	اهداف کلی
۵۷	اهداف یادگیری
۵۷	سلاطین دهلی
۵۸	۱-۴ غلام‌شاهیان (سلاطین مملوک) معزی یا شمسی
۶۰	۱-۱-۴ دوران تثبیت حکومت غلام‌شاهیان
۶۲	۲-۱-۴ غلام‌شاهیان در اوج قدرت
۶۳	۲-۴ خلجیان
۶۳	۱-۲-۴ تأسیس حکومت خلجیان
۶۶	۲-۲-۴ خلجیان در اوج قدرت
۶۹	۳-۲-۴ انقراض حکومت خلجیان
۷۰	۳-۴ تغلق‌شاهیان
۷۰	۱-۳-۴ تأسیس حکومت تغلق‌شاهیان
۷۳	۲-۳-۴ تغلق‌شاهیان در اوج قدرت
۷۵	۳-۳-۴ تغلق‌شاهیان در سرآشویی نزول
۷۵	۴-۴ سلسلهٔ سادات، سلاطین لودی و شاهان سوری
۷۷	۵-۴ سلطان‌نشین‌های تابع دهلی (جنپور، گجرات و مالوا)
۸۱	پرسش‌های تشریحی
۸۱	پرسش‌های تستی
۸۳	فصل پنجم
۸۳	اهداف کلی
۸۳	اهداف یادگیری
۸۳	۱-۵ تأسیس حکومت بهمنیان
۸۵	۱-۱-۵ اصلاحات داخلی علاءالدین حسن بهمنی
۹۰	۲-۱-۵ دورهٔ پایانی حکومت علاءالدین حسن بهمنی
۹۱	۲-۵ دوران تثبیت حکومت بهمنیان

۹۱	۵-۲-۱ مقابله با ناآرامی‌های داخلی و خارجی
۹۳	۵-۲-۲ سازماندهی اداری، نظامی و مالی
۹۵	۵-۳ دوران طلایی حکومت بهمنیان
۹۶	۵-۳-۱ به حکومت رسیدن محمدشاه سوم
۹۷	۵-۳-۲ فتوحات خارجی
۹۹	۵-۳-۳ خواجه‌محمود گاوآن
۱۰۰	۵-۳-۴ اصلاحات خواجه‌محمود گاوآن
۱۰۲	۵-۳-۵ روابط فرهنگی و سیاسی محمود گاوآن با ایران و جهان
۱۰۷	۴-۴ فروپاشی حکومت بهمنیان
۱۰۷	۵-۴-۱ آفاقی‌ها و دکنی‌ها
۱۰۹	۵-۴-۲ منازعات آفاقی-دکنی برای کسب امتیازات سیاسی-اجتماعی
۱۱۰	۵-۵ تشیع در دوره بهمنیان
۱۱۲	۵-۶ فرهنگ و ادب فارسی در دوره بهمنیان
۱۱۲	۵-۶-۱ پیشینه تاریخی روابط فرهنگی ایران و دکن
۱۱۳	۵-۶-۲ عوامل گسترش ادبیات فارسی در دکن
۱۱۵	۵-۶-۳ فرهنگ و ادبیات فارسی
۱۱۹	پرسش‌های تشریحی
۱۲۰	پرسش‌های تستی
۱۲۳	فصل ششم
۱۲۳	اهداف کلی
۱۲۳	اهداف یادگیری
۱۲۳	۶-۱ تشیع در دکن
۱۲۴	۶-۱-۱ علل گرایش حکومت‌های محلی دکن به تشیع
۱۲۵	۶-۱-۲ حمایت حکومت‌های محلی از مذهب تشیع
۱۳۳	۶-۱-۳ پیشرفت تشیع در دکن
۱۳۹	۶-۱-۴ مراسم مذهبی شیعیان
۱۴۹	۶-۱-۵ مناسبات سیاسی-مذهبی حکومت‌های شیعه دکن با صفویان
۱۶۳	۶-۲ حکومت‌های سنی مذهب
۱۶۳	۶-۲-۱ بریدشاهیان
۱۶۵	۶-۲-۲ عمادشاهیان
۱۶۶	پرسش‌های تشریحی
۱۶۷	پرسش‌های تستی
۱۶۹	فصل هفتم
۱۶۹	اهداف کلی
۱۶۹	اهداف یادگیری
۱۶۹	۷-۱ تأسیس حکومت گورکانیان
۱۷۱	۷-۱-۱ ظهیرالدین محمد بابر
۱۷۲	۷-۱-۲ نصیرالدین محمد همایون
۱۷۴	۷-۲ دوران اوج حکومت گورکانیان
۱۷۴	۷-۲-۱ جلال‌الدین اکبر

۱۷۸	۲-۲-۷ ابوالمظفر، نورالدین جهانگیر
۱۸۱	۳-۲-۷ شاه جهان
۱۸۴	۴-۲-۷ اورنگ زیب
۱۸۷	۳-۷ زوال حکومت گورکانیان
۱۸۷	۴-۷ روابط سیاسی گورکانیان و صفویان
۱۸۹	۵-۷ زبان و ادبیات فارسی در دوره گورکانیان
۱۹۱	پرسش های تشریحی
۱۹۲	پرسش های تستی
۱۹۵	پاسخنامه ها
۱۹۹	فهرست منابع و مآخذ
۱۹۹	نسخه های خطی
۱۹۹	کتاب ها و مقالات چاپی فارسی و عربی
۲۰۷	کتاب های اردو
۲۰۷	کتاب ها و مقالات لاتین
۲۰۸	سایت های اینترنت

مقدمه

یکی از حوزه‌های جغرافیایی که اسلام در آن نفوذ کرده و از حوزه‌های بسیار با اهمیت در تاریخ اسلام است، منطقه شبه‌قاره هند است. شبه‌قاره هند با سرزمین ایران پیوندهای فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی گسترده و دیرینه‌ای داشته که در دوره اسلامی این پیوندها دوچندان شده است. از این رو مطالعه تاریخ اسلام در شبه‌قاره هند پیوند بسیار نزدیکی با تاریخ ایران در دوره اسلامی دارد. اهمیت این پیوند وقتی مشخص‌تر می‌شود که بدانیم از نظر جغرافیایی، فلات ایران در حد فاصل شبه‌قاره هند و مرکز جهان اسلام، یعنی شبه‌جزیره عربستان قرار دارد، لذا نفوذ اسلام و حضور مسلمانان در منطقه شبه‌قاره، از راه زمینی از طریق ایران صورت گرفته و این امر باعث تأثیر گسترده مسلمانان ایرانی در تاریخ شبه‌قاره هند در دوره اسلامی شده است.

علی‌رغم اهمیت فراوان شبه‌قاره در تاریخ اسلام، آن‌طور که باید و شایسته است، تاریخ این منطقه در دوره اسلامی مورد توجه تاریخ‌پژوهان حوزه تاریخ اسلام، به‌ویژه در کشور ایران قرار نگرفته است. شاهد این مدعا کمبود آثار تألیفی در رابطه با تاریخ اسلام در شبه‌قاره هند است، به‌طوری که تاکنون یک منبع نسبتاً جامع که پاسخ‌گوی دو واحد درسی، درس تاریخ اسلام در شبه‌قاره هند، برای رشته‌های تاریخ و تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی باشد، تألیف نشده است و بسیاری از فارغ‌التحصیلان این رشته‌ها آشنایی چندانی با تاریخ اسلام در این منطقه ندارند. اگرچه اخیراً تا حدودی توجه به این حوزه از تاریخ اسلام بیشتر شده اما باز هم متونی که تاکنون در این رابطه تألیف شده، اغلب متونی است که به قسمتی از تاریخ

اسلام در شبه‌قاره هند پرداخته است.

از آنجا که حوزه مطالعات نگارنده، تاریخ اسلام در شبه‌قاره هند بوده و همواره جای چنین پژوهشی را در میان متون و تألیفات تاریخ اسلام خالی می‌دیدم؛ فراخوان مدیریت تدوین منابع دانشگاه پیام نور، بهانه‌ای شد جهت تألیف این اثر. کتاب حاضر با هدف آموزشی و در قالب کتاب درسی برای استفاده دانشجویان رشته تاریخ و رشته تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی برای واحد درسی تاریخ اسلام در شبه‌قاره هند طراحی و تألیف شده است. در این اثر تاریخ اسلام در شبه‌قاره هند از ابتدای ورود اسلام به این منطقه تا پایان دوره حکومت گورکانیان، با تأکید بر تاریخ تشیع و همچنین تأثیر ایرانیان در تاریخ و فرهنگ شبه‌قاره در دوره اسلامی، مورد توجه قرار گرفته است. در قسمت‌های مختلف این کتاب سعی شده تا در بیان تاریخ هر دوره، از مهم‌ترین منابع آن دوره استفاده شود. اگرچه، گستردگی حجم کار به لحاظ دایره زمانی و همچنین در دسترس نبودن برخی منابع، مانع از آن شده که در برخی موارد به صورت کامل از منابع اصلی استفاده شود.

در این کتاب سعی شده با معرفی مهم‌ترین حکومت‌های اسلامی مناطق مختلف شبه‌قاره و بیان گوشه‌هایی از تاریخ سیاسی، فرهنگی و مذهبی آن، تصویری نسبتاً جامع از تاریخ اسلام در شبه‌قاره، در اختیار خوانندگان این اثر قرار گیرد. علی‌رغم تمام محدودیت‌هایی که در تألیف کتب درسی وجود دارد، تمام تلاش مؤلف بر این بوده تا با استفاده از منابع و مآخذ معتبر، اثری جامع و مانع تألیف شود؛ با این حال این اثر خالی از اشکال نخواهد بود و نظرات اساتید، دانشجویان و پژوهشگران این حوزه، ما را در بهبود کیفیت آن یاری خواهد رساند.

محمود صادقی علوی

پاییز ۱۳۹۴

فصل اول

ویژگی‌های طبیعی، فرهنگی، اجتماعی و تاریخ‌نویسی در شبه‌قاره

اهداف کلی

آشنایی دانشجو با:

۱. ویژگی‌های طبیعی و فرهنگی شبه‌قاره.
۲. اوضاع سیاسی و اجتماعی شبه‌قاره و تاریخ‌نویسی در این منطقه در دوره اسلامی

اهداف یادگیری

دانشجو پس از مطالعه این فصل می‌تواند:

۱. ویژگی‌های طبیعی و جغرافیایی شبه‌قاره هند قبل از اسلام را شرح دهد.
۲. ویژگی‌های فرهنگی و اجتماعی شبه‌قاره هند قبل از اسلام را بیان کند.
۳. مذهب و جامعه شبه‌قاره هند قبل از اسلام را توضیح دهد.
۴. تاریخ‌نویسی در دوره اسلامی در شبه‌قاره هند را شرح دهد.
۵. برخی از مهم‌ترین منابع تاریخ شبه‌قاره هند، در دوره اسلامی را معرفی کند.

۱-۱ ویژگی‌های طبیعی و جغرافیایی

موقعیت طبیعی و جغرافیایی هر منطقه نقش تعیین‌کننده‌ای در تحولات و حوادث تاریخی آن منطقه دارد. شبه‌قاره هند نیز به جهت برخورداری از ویژگی‌های خاص طبیعی و جغرافیایی همواره و در طول تاریخ مورد توجه اقوام و گروه‌های مختلف بوده است. به این

جهت پیش از بررسی تاریخچه حضور مسلمانان در این منطقه، لازم است تا به صورت مختصر ویژگی‌های طبیعی و جغرافیایی و پیشینه تاریخی و مذهبی این منطقه از نظر مورخان و جغرافی‌نویسان مسلمان را بررسی نماییم. هندوستان در جنوب آسیا و در کنار آب‌های گرم اقیانوس هند واقع شده و یکی از بزرگ‌ترین کشورهای جهان است. این کشور افزون بر موقعیت راهبردی، به دلیل دسترسی به آب‌های آزاد و واقع شدن در مرزهای میان آسیای جنوب غربی و آسیای شرقی، دارای معادن ارزشمند طبیعی، خاک حاصل‌خیز و ثروت فراوان بوده و از دیرباز اهمیت ویژه‌ای به آن داده شده و همواره مورد توجه طبقات مختلف مردم و نیز مورد تاخت و تاز دولت‌های بیگانه به‌ویژه استعمارگران قرار گرفته است.

برخی مورخان تاریخچه و وجه تسمیه سرزمین هند و سند را از زمان حضرت آدم می‌دانند و نام‌گذاری این سرزمین به نام هند و سند را به فرزندان وی منسوب می‌کنند. فرشته در تاریخ خود به این مسئله اشاره می‌کند که هند و سند، دو تن از فرزندان حام بودند که به سرزمین کنونی هند آمده و در آبادانی این سرزمین کوشیدند. آن‌ها همچنین به نام فرزندان خود، شهرهایی مثل تهته و مولتان را در این منطقه بنا کردند. این سرزمین بعدها به نام این دو فرد، به سرزمین هند و سند موسوم گشت (هندوشاه استرآبادی، ۱۳۸۷، ج ۱: ۳۰؛ قزوینی، ۱۳۷۳: ۱۴۳).

اما تحقیقات جدید وجه تسمیه هند را از رود سند می‌دانند. بر این اساس، نام هند از رود پرآب سند گرفته شده است. واژه «سندو» در زبان محلی به معنی رود است. ایرانیان باستان واژه هند را از نام رودخانه سند ساخته و به این ترتیب سند را به هند و سندو را به هندو تبدیل کرده‌اند و این سرزمین بزرگ را هندوستان (سرزمین رودها) نامیده‌اند. نام ملی هند «بارته»^۱ اسم یکی از قهرمانان اسطوره‌ای این سرزمین است (قرایی، ۱۳۸۴: ۳۴).

تنوع زیستی و جغرافیایی در شبه‌قاره هند فراوان است به‌طوری که اکثر مورخان و جغرافی‌نویسان به این مطلب اشاره کرده‌اند. اما به طور کلی این سرزمین در منطقه گرم و مرطوب واقع شده است. شبانکاره‌ای شرح مفصلی از ویژگی‌های طبیعی و جغرافیایی این سرزمین بیان کرده است. بر اساس نظر شبانکاره‌ای سرزمین

هند در منطقه ای واقع شده که دارای آب و هوای معتدل است که نه زمستان سختی دارد و نه تابستان گرم. همین ویژگی ها باعث شده تا این منطقه برای کشاورزی بسیار مناسب بوده و در تمام سال سرسبز باشد. پیامد چنین شرایط جغرافیایی و طبیعی کشت محصولات مختلف باغی و نباتی از جمله گیاهان دارویی در این منطقه است که در دیگر نقاط جهان به راحتی یافت نمی شود (شبانکاره ای، ۱۳۸۱، ج ۱: ۵۷). دیگر مورخان نیز در آثار خود به وسعت فراوان، ویژگی های طبیعی و به ویژه عجایب طبیعی و معادن سنگ های گران بهای این شبه قاره اشاره کرده اند (قزوینی، ۱۳۷۳: ۱۸۰).

به طور کلی شبه قاره هند را می توان به چهار منطقه جغرافیایی کاملاً مشخص تقسیم کرد: کوه های هیمالیا در شمالی ترین قسمت کشور هند که یکی از عظیم ترین رشته کوه های سراسر دنیا است و به دلیل درازا و ارتفاعش یک سد فیزیکی میان هندوستان و چین به وجود آورده است؛ دشت های شمالی رود گنگ و شاخه های آن. دو رود مهم هندوستان عبارت اند از رودخانه گنگ و براهماپوترا که رودخانه گنگ از کوه های جنوبی هیمالیا سرچشمه می گیرد و پس از آبیاری قسمت های وسیعی از شبه قاره هند به خلیج بنگال می ریزد که جلگه گنگ، زمین های حاصل خیز مرکزی هندوستان را تشکیل می دهد؛ فلات جنوبی (دکن) که حدود آن با تپه ها و کوه های کم ارتفاع مشخص می شود، ناحیه شبه جزیره دکن بیش از نیمی از وسعت کشور هند را در نیمه جنوبی آن شامل می شود. این بخش، بنا به شرایط خاص جغرافیایی، از مناطق سرسبز و زیباست که آب و هوایی نسبتاً معتدل و موقعیت های طبیعی بسیار دلکش و استثنایی دارد و بسیاری از مردمان را در طول تاریخ به سوی خود کشانده است؛ و در نهایت منطقه بیابانی شمال غربی شبه قاره هند (بیابان تار). علاوه بر این مناطق هندوستان سه گروه جزایر اقیانوسی را هم شامل می شود (گودین، ۱۳۸۳: ۱۳).

به دلیل شرایط خاص جغرافیایی شبه قاره هند، پوشش گیاهی آن نیز بسیار متنوع و اکوسیستم طبیعی آن منحصر به فرد است.^۱ بر اساس تحقیقات جدید حدود

۱. در این رابطه صاحب تحریر تاریخ و صاف می نویسد: «در این دیار در چهار فصل هفتاد نوع گل رنگین روید و دیگر انواع ریاحین بدون رنج طلب در همه جا در دسترس باشد. زراعت غلات شتوی با شبنم باشد و پس از

۴۵ هزار گونه گیاه در هندوستان وجود دارد. این شبه‌قاره که یکی از قدیمی‌ترین و بزرگ‌ترین جوامع کشاورزی جهان است به لحاظ تعداد گونه‌های گیاهان خوراکی نیز کشوری غنی به شمار می‌آید. در این کشور حدود ۱۶۶ گونه گیاه کشت می‌شود که مصرف غذایی دارند و ۳۲۰ گونه هم از خانواده‌های خودروی محصولات کشاورزی هستند. گیاه‌شناسان همچنین ۱۶ نوع اصلی گیاه جنگلی را در هندوستان شناسایی کرده‌اند. این پوشش گیاهی از جنگل‌های خودروی حاره‌ای و همیشه سبز جزایر آندامان و نیکوبار تا بوته زارهای خشک آلبی مناطق مرتفع کوه‌های هیمالیا متفاوت است (همان: ۲۰).

تنوع جغرافیایی و گیاهی در شبه‌قاره هند باعث شده تا این منطقه تنوع جانوری فراوانی نیز داشته باشد. در این منطقه ۸۱۰۰ گونه جانوری شامل ۳۹۶ گونه از پستانداران، ۱۲۲۸ گونه از پرندگان، ۴۴۶ گونه از خزندگان و ۲۰۴ گونه از دوزیستان زندگی می‌کنند.^۱

۱-۲ مذهب و جامعه

در رابطه با مذهب مردم شبه‌قاره هند، پیش از ورود مسلمانان به این منطقه نظرات گوناگونی بیان شده است. در این قسمت در صدد آن نیستیم که به صورت مفصل و تخصصی در رابطه با ادیان و عقاید مردم هند پیش از اسلام سخن بگوییم چرا که در این رابطه آثار فراوانی تألیف شده است بلکه به طور کلی به دنبال آن هستیم تا از دید مورخان مسلمان نگاهی کوتاه به ادیان هند در آستانه ورود مسلمانان به این منطقه داشته باشیم. چنان‌که پیش از این اشاره شد مورخان مسلمان، تاریخ سرزمین هند را همچون بیان تاریخچه دیگر مناطق جهان اسلام تا زمان حضرت نوح ادامه می‌دهند. بر اساس همین

برداشت محصول آن زراعت صیفی آغاز کنند و آن را با باران آب دهند. انگور دو بار در سال ثمر دهد و پنبه چون بید و چنار ریشه کند و شاخ گسترد و سال‌های پی در پی ثمر دهد (آیتی، ۱۳۸۳: ۱۷۲).
 ۱. هرچند جمعیت پستانداران بزرگ هندوستان به اندازه آفریقا متعدد و متنوع نیست، اما هندوستان خاستگاه تعداد زیادی از جانوران بزرگ وحشی از جمله فیل آسیایی، ببر، کرگدن‌های تک‌شاخ، شیر آسیایی، پلنگ، بوفالوی وحشی، یوزپلنگ، خوک خرطوم‌دار، بز کوهی، آهو و گوزن است. همچنین بسیاری از گونه‌های میمون‌ها نیز در هندوستان زندگی می‌کنند. (همان: ۲۲)

گزارش‌ها، مردم شبه‌قاره هند زمانی که فرزندان حضرت نوح به این منطقه آمدند یکتاپرست بودند اما به تدریج در دوره‌های بعد به دلایل مختلف از آیین یکتاپرستی فاصله گرفته و به پرستش مظاهر طبیعت و اجسام ساخته دست خود پرداختند. فرشته در تاریخ خود روند گرایش مردم شبه‌قاره هند از یکتاپرستی به بت‌پرستی را چنین بیان می‌کند: «گویند که هند چنانچه از پدر خود حام بن نوح - علیه السلام - دیده و شنیده بود طاعت و عبادت خالق بی چون می‌کرد و فرزندان او بعد بطن پیروی او می‌نمودند تا آنکه در عهد مهاراج، شخصی از ایران آمده رهنمون پرستش آفتاب گشت و آن رواج تمام گرفته بعضی ستاره‌پرست و آتش‌پرست نیز شدند، اما چون بت‌پرستی پدید آمد از همه بیشتر شایع شد.» (هندوشاه استرآبادی، ۱۳۸۷، ج ۱: ۳۶). منابع دیگر هم به پرستش بت و مظاهر طبیعت توسط مردم شبه‌قاره اشاره کرده‌اند (قزوینی، ۱۳۷۳: ۱۸۰). برخی از معروف‌ترین خدایان آن‌ها عبارت‌اند از: اگنی^۱ (آتش)، وارونا^۲ (آسمان)، ایشوارا^۳ (فرمانروا)، رودرا^۴ (وحشتناک)، رام^۵ (دلپذیر)، کریشنا^۶ (آبی پررنگ)، یاما^۷ (خدای حاکم بر ارواح)، اشوین^۸ (اسب‌سوار) و کالی^۹ (بت مؤنث) (توفیقی، ۱۳۸۹: ۳۳).

بر اساس تحقیقات و پژوهش‌های پژوهشگران حوزه تاریخ ادیان مردم شبه‌قاره هند پیش از ورود آریایی‌ها به این منطقه فرهنگ، دین و مراسم خاص خود را داشتند که بر اساس کشفیات باستان‌شناسی جدید برخی از خدایان آیین هندو قبل از ورود آریایی‌ها به این منطقه، در هندوستان وجود داشته است. آیین قوم آریایی هندوستان برهمایی^{۱۰} بود که به برهما، خدای هندوان اشاره می‌کند. این آیین گونه‌ای فرهنگ، آداب و سنن اجتماعی است که با تهذیب نفس و ریاضت همراه شده و در تمدن و حیات فردی و جمعی مردم هندوستان نقش بزرگی داشته است. آیین هندو^{۱۱} شکل تحول‌یافته‌ای از آیین برهمایی است که به تدریج به شکل کنونی درآمده است (همان: ۲۶). اصول دین هندو عبارت است از اعتقاد و احترام به

1. agni
2. varuna
3. isvars
4. rurdra
5. rama
6. krishna
7. yama
8. asvin
9. kali
10. brahmanism
11. hinduism

کتاب‌های آسمانی خویش و سنت‌های دینی برهمنان و پرستش خدایانی که به ظهور آنان در دوره‌های قدیم عقیده دارند. اعتقاد به تناسخ و رعایت مقررات طبقات اجتماعی در معاشرت و ازدواج، همچنین احترام به موجودات زنده، مخصوصاً گاو از اصول آن دین است (همان: ۳۲). آیین بودا^۱ نیز متأثر از آیین برهمنی است. این آیین از هندوستان بیرون آمده و سراسر مناطق خاوری را در نورددیده است و به علت داشتن اندیشه‌های عرفانی لطیف و حضورش در مناطق پرجمعیت جهان، پیروان زیادی دارد (راونندی، ۱۳۸۲، ج ۱: ۲۳۵-۲۴۳؛ توفیقی، ۱۳۸۹: ۴۲).

نظام اجتماعی شبه‌قاره هند پیش از ورود مسلمانان به این منطقه نظام کاستی بود که بر اساس آن جامعه به طبقات مختلف تقسیم می‌شد و افراد هر طبقه وظایف مخصوص به خود را داشتند. چهار گروه عمده این جامعه عبارت بودند از: برهمنان یا روحانیون و کاهنان برهمنی، کهتر یا امرا و شاهزادگان، بیش یا کشاورزان و صنعتگران و شودر یا بردگان و غیر آریایی‌ها که در شبه‌قاره برهمنان در بالاترین جایگاه جامعه و شودرها پست‌ترین طبقه جامعه بودند.^۲

در این نظام اجتماعی طبقات دارای حدود، تکالیف و امتیازات خاصی بودند. طبقه قابل جابه‌جایی نبود و هرکس در هر طبقه‌ای به دنیا می‌آمد در همان طبقه تا پایان عمر ماندگار بود. در این جامعه برهمنان یعنی علمای مذهبی بالاترین جایگاه را داشتند، فرهنگ هندی نیز رنگ مذهبی داشت و بیشتر آن دسته از علوم پیشرفت داشت که به مذهب کمک می‌کرد. در آموزش و پرورش هندی، روحانیون نقش

1. buddha

۲. مؤلف جهانگیرنامه این گروه‌ها و وظایف آن‌ها را این‌چنین توصیف می‌کند: «طوایف هند بر چهار گروه قرار یافته و هرکدام به آیین و طریق خاص عمل می‌نمایند، و در هر سال روزی معین دارند که در آن روز مراسم خاصی را انجام می‌دهند. اول طایفه برهمن یعنی شناسنده ایزد بی‌چون. وظیفه ایشان شش چیز است علم آموختن و دیگران را تعلیم‌دادن و آتش پرستیدن و مردم را دلالت، پرستش کردن و چیزها به محتاجان دادن و چیزی گرفتن. دوم چهتریست که به کهتری معروف و مشهور است و مراد از چهتری طایفه‌ای است که مظلومان را از شر ظالمان محفوظ دارند. آیین این طایفه را سه چیز است یکی آنکه خود علم بخواند و دیگری تعلیم ندهد و دوم آنکه خود آتش پرستی نماید و دیگری را به پرستش دعوت نکند. سیوم آنکه به محتاجان چیزی بدهد و خود با وجود احتیاج چیزی نگیرد. سیوم طایفه بیش است و این جماعه این دو طایفه را که ذکر ایشان گذشت خدمت می‌کنند و زراعت و خرید و فروش و سود و سودا شغل مقرر ایشان است. طایفه چهارم شودر است این گروه کهترین طوایف هنودند. همه را خدمت می‌کنند و ازین چیزها که مخصوص هر طایفه مذکور گشت بهره ندارند.» (نورالدین محمد توزک جهانگیری، ۱۳۵۹: ۱۳۹-۱۴۰).

اساسی داشتند و شاید برای آنکه راز کتب مذهبی بر همه آشکار نشود از اشاعهٔ خط و کتاب جلوگیری می‌کردند. فرزندان برهمنان و بعضی فرقه‌های دیگر حق فراگرفتن علم را داشتند و آموزش جنبهٔ مذهبی داشت.

همان‌طور که در اروپای قرون وسطی آثار علمی و ادبی به زبان غیر قابل فهم لاتین که مردم از فهم آن عاجز بودند به رشتهٔ تحریر درمی‌آمد، در هند باستان نیز فلسفه و ادبیات به زبان سانسکریت که پیوند خود را از مردم گسیخته بود، نوشته می‌شد؛ ولی این وضع دوام نیافت و از قرن پنجم پیش از میلاد هندیان زبان خود را تغییر دادند و در سدهٔ چهارم پیش از میلاد برای خود دستور زبان نوشتند. نویسندگان عهد عتیق از برگ خرما و پوست درخت به جای کاغذ و از میلهٔ آهن به جای قلم استفاده می‌کردند (راوندی، ۱۳۸۲، ج ۱: ۲۴۸).

هندی‌های آریایی در آغاز امر، از راه جنگ و غارت‌گری امرار معاش می‌کردند و سپس از راه گله‌داری و کشت و زرع گذران می‌کردند. صنایع دستی در بین صنعت‌گران و شاگردان تازه‌کار رواج داشت و پانصد سال پیش از میلاد، سازمان نیرومند اصناف مختلف، در این کشور کهن سال وجود داشته است (همان: ۲۳۳؛ قزوینی، ۱۳۷۳: ۱۸۰).

۳-۱ گذری بر تاریخ‌نویسی در شبه‌قارهٔ هند، در دورهٔ اسلامی

به جهت نفوذ فراوان زبان و ادبیات فارسی در شبه‌قارهٔ هند و حضور تعداد زیادی از ایرانیان در دربار حکام مسلمان هند، اکثر منابع تاریخی این دوره به‌ویژه تواریخی که مورخان این حکومت‌ها نوشته‌اند به زبان فارسی است. تأثیر فارسی‌زبانان در این دوره بر تاریخ‌نویسی به اندازه‌ای بود که حتی مورخان هندی نیز در این دوره برخی از آثار خود را به زبان فارسی تألیف کردند. این دوره یکی از ادوار درخشان زبان و ادب فارسی به شمار می‌آید چرا که پادشاهان و حامیان ایرانی‌نژاد این عصر در سرزمین هند، در سرپرستی و حمایت از گویندگان و نویسندگان فارسی‌زبان هیچ مضایقه‌ای نداشته‌اند. با اندک تأملی در تاریخ ادبیات فارسی در این دوره، می‌توان رد پای بسیاری از علما و شعرای فارسی‌زبان را یافت که در دربار حکومت‌های مسلمان هند حضور داشته و از فیوضات این حکام بهره‌مند می‌شده‌اند. هر کدام از این پادشاهان به سهم خود ارباب فضل و هنر را از نقاط مختلف به

دربار خود جلب کرده و آنان را تحت حمایت و سرپرستی خود قرار می‌دادند. بر اثر تشویق آنان بود که علم و ادب و هنر در آن عصر گسترش قابل ملاحظه‌ای یافت و زبان و ادب فارسی از رونق شایان توجهی برخوردار گشت و در انواع رشته‌های علمی به‌ویژه تاریخ آثار و تألیفات بسیار پدید آمد. به طور کلی می‌توان ادعا کرد که شروع تاریخ‌نگاری در شبه‌قاره هند در دوره اسلامی، متأثر از تاریخ‌نگاری ایرانی و به زبان فارسی بوده است، زیرا زبان فارسی قرن‌ها زبان فرهنگ و ادب در شبه‌قاره به شمار می‌رفت.

آنچه می‌توان به عنوان ویژگی غالب تاریخ‌نویسی در این دوره از آن یاد کرد این است که مورخان این دوره بیش از آن‌که به اوضاع اجتماعی، فرهنگی و مذهبی توجه داشته باشند، غالباً به شرح تاریخ سیاسی اکتفا کرده‌اند. از این رو اکثر مورخان، رویدادهای سیاسی و خاصه شرح جنگ‌ها، روابط دیپلماتیک حکومت‌ها، کیفیت جلوس پادشاه جدید و وضعیت دربار و درباریان را در تألیفات خود ذکر کرده‌اند. تألیفاتی چون *حدیقه السلاطین* میرزا نظام‌الدین احمد بن عبدالله ساعدی شیرازی، که در کنار بیان دقیق مسائل سیاسی، در برخی موارد از وضعیت اجتماعی، فرهنگی و مذهبی جامعه نیز اطلاعاتی به دست می‌دهد، در این دوره بسیار نادر است.

تاریخ‌نگاری در هند دوره اسلامی را می‌توان به دو دوره پیش از تیموریان و دوره تیموریان تقسیم کرد. نخستین اثر به جامانده از دوران پیش از تیموریان، *چچ‌نامه* است که علی بن حمید کوفی در حدود سال ۶۱۳ ه.ق آن را از متنی عربی، بدون نام مؤلف و عنوان، به فارسی ترجمه کرد. متن عربی این کتاب از بین رفته است. این اثر شامل دو بخش است: بخش نخست گزارشی از خاندانی برهمن در سند پیش از فتوحات اعراب است که تاریخ محلی محسوب می‌شود، بخش دوم و مفصل‌تر کتاب ذکر فتوحات اعراب در سال‌های ۹۲-۹۵ ه.ق است و شامل مجموعه‌ای از روایت‌هایی همانند روایت‌های *تاریخ طبری* است.

مهم‌ترین اثر دوره سلاطین دهلی کتاب *طبقات ناصری* ابوعمر و جوزجانی، مشهور به *منهاج سراج* است که در سال ۶۵۷ ه.ق تدوین شده است. این اثر درباره تاریخ سلسله‌های اسلامی است و درباره سلسله غوریان، نخستین سلاطین هند و جانشینان آنان و دوره استیلای مغول در این سرزمین مطالب با ارزشی دارد. در

رابطه با دوره حکومت تغلق شاهیان کتاب تاریخ فیروزشاهی، نوشته ضیاءالدین برنی یکی از مهم ترین منابع است. این کتاب در سال ۷۵۸هـ.ق تألیف شده و درباره تاریخ سلطان نشین دهلی است.

با تشکیل حکومت بابریان عصر جدیدی در تاریخ نگاری دوره اسلامی هند به وجود آمد. در این دوره تعداد زیادی از مورخان و ادیبان ایرانی به هند مهاجرت کردند که فعالیت های این افراد در کنار حمایت پادشاهان گورکانی از آنها و همچنین توجه بسیاری از این پادشاهان و نیز پادشاهان حکومت های محلی جنوب هند به دانشمندان و ادیبان فارسی زبان، باعث شد تا در این دوره تعداد زیادی از متون تاریخی به زبان فارسی تألیف شود. ابوالفضل دکنی، ملا احمد تنّوی، ملا عبدالقادر بداؤنی و شیخ فیضی سرهندی برخی از مورخان برجسته این دوره هستند. در ادامه به صورت مختصر برخی از منابع تاریخ هند در دوره اسلامی معرفی می شوند.

۱-۳-۱ تحقیق ماللهند

ابوریحان محمد بن احمد بیرونی از دانشمندان بزرگ قرن چهارم و پنجم هجری در سال ۳۶۲هـ.ق در حومه خوارزم زاده شد و نسبت بیرونی را از آنجا گرفت. درباره نسب و پدر وی اطلاع چندانی در دست نیست. وی به خوبی از عهده فراگیری علوم زمان خویش برآمد و سفرهای بسیار و دوره گردی و شوق معرفت، که از آغاز سن عواطف او را ملتهب کرده بود، به وسعت معلومات وی کمک کرد. از همان آغاز در زمینه دانش به مسائلی توجه داشت که در میان متعلمان قرون وسطای اسلامی چندان معهود و شناخته شده نبود. وی در ۲۰ سالگی وطن خود را ترک کرد و به سوی سواحل دریای قزوین (خزر) روانه شد. در گرگان از توجهات قابوس بن وشمگیر زیاری بهره برد. در حدود سال ۴۰۰هـ.ق به وطن خویش بازگشت و خیلی زود دست خوش دسیسه ها و توطئه های سیاسی شد و در سال ۴۰۸هـ.ق محمود غزنوی وی را با خود به غزنه برد و پیوسته تحت نظر وی بود. در این دوران که زندگی برایش سخت بود و ابزار و لوازم علمی برای ادامه تحقیقات را در اختیار نداشت، تعدادی کتاب بزرگ و از جمله اثر معروف «تحقیق ماللهند» را تألیف کرد. گرچه نام بیرونی در نوشته های عربی در زمینه جغرافیا و جهان گردی مقامی دارد اما چنان که از

تألیفات وی برمی‌آید، وی جغرافی‌شناس نبوده است. به تعبیر درست‌تر او بیشتر از آنکه جغرافی‌دان باشد مؤلفی بوده با معرفتی بسیار گسترده که همه علوم دوران را آموخته است. قلمرو مطالعات وی چنان گسترده بود که تعیین شمار علمی که در آن دستی نداشت آسان‌تر از تعیین علوم مورد علاقه اوست. قلمرو فعالیت علمی او ریاضیات و نجوم و علوم مربوط به آن است و به صورت طبیعی ابوریحان در زمینه جغرافیا به ناحیه ریاضی و نجومی آن توجه داشته است. برخی آثار او عبارت‌اند از: کتاب *تحديد الأماكن لتصحيح مسافات المساكن*، کتاب *القانون للمسعودی*، *آثار الباقیه*، *الصیانه فی الطب*، *تحقیق ماللهند* و ... (بیرونی، ۱۴۰۳: ۵-۱۱).

تحقیق ماللهند کتابی درباره عقاید دینی، آرای فلسفی، ادبیات، تقویم، نجوم، جغرافیا و آداب و رسوم هندی به زبان عربی است. نام کامل این کتاب *البیرونی فی تحقیق ماللهند من مقوله مقبوله فی العقل او مرذوله* است و به کتاب *الهند* نیز شهرت دارد. در این کتاب دایرة‌المعارف‌گونه که مهم‌ترین اثر بیرونی در هندشناسی به‌شمار می‌آید، به تاریخ هند نیز پرداخته شده است. البته بیشتر تاریخ فرهنگی مردم هند مورد نظر بیرونی بوده اما از برخی گزارش‌های وی اطلاعاتی از تاریخ سیاسی هند نیز می‌توان به‌دست آورد؛ بنابراین این کتاب را یک کتاب جغرافیایی به معنای محدود کلمه نمی‌توان دانست. مقدمه کتاب، هند را به طور کلی معرفی می‌کند. این کتاب دربردارنده اطلاعات فراوانی است در زمینه‌های مختلف همچون: یکتاپرستی، اعتقادات فلسفی، کیفیت و علل بت‌پرستی و پرستش مظاهر طبیعت، آثار و منابع مکتوب در شعر و ادبیات و سایر علوم، آداب و رسوم، خط، حساب و کتاب، مسیر شهرها و مسافت آن‌ها، ستاره‌شناسی و مسائل مرتبط به آن و غیره. علاوه بر این مقدار بسیار فراوانی اطلاعات مربوط به جغرافیای انسانی در کتاب پراکنده است و نیز فصول مهمی از دیانت هند و زندگی معنوی آن سخن می‌گوید.

ویژگی‌های فوق باعث شده تا این اثر به‌عنوان یکی از مهم‌ترین منابع تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی به‌ویژه در رابطه با فرهنگ و تمدن هند در دوره اسلامی و قبل از آن مورد توجه پژوهشگران و اندیشمندان این حوزه قرار گیرد.

۱-۳-۲ برهان مآثر

کتابی درباره تاریخ سلاطین دکن به زبان فارسی، نوشته سید علی‌بن‌عزیزالله طباطبا است. این کتاب مهم‌ترین اثر تاریخی است که از دوران نظام‌شاهان باقی مانده است. از مطالعه کتاب بر می‌آید که سید علی‌بن‌عزیزالله طباطبا که از اهالی سمنان بوده است بعد از مدتی سکونت در عراق در حدود سال ۹۸۸هـ.ق/۱۵۸۰م و در عهد حکومت سلطان ابراهیم قطب‌شاه راهی گولکنده شد و به خدمت او درآمد. وی تا ماه اول حکومت محمدقلی قطب‌شاه در گلکنده باقی ماند و پس از آن با اجازه قطب‌شاه ملازمت شاهان احمدنگر^۱ (نظام‌شاهیان) را اختیار نمود. وی کتاب برهان مآثر را در سال ۱۰۰۰هـ.ق به دستور برهان نظام‌شاه (۹۹۹-۱۰۰۳هـ.ق) تألیف و به او تقدیم کرد.

مؤلف پس از یک مقدمه چند صفحه‌ای، سلاطین دکن را بر اساس مقر حکومتشان به چند طبقه تقسیم کرده است. از آنجا که مؤلف مدتی نیز در دستگاه حکومت قطب‌شاهیان و از ملازمان سلطان ابراهیم و محمدقلی قطب‌شاه بوده، قسمت پایانی کتاب خود را به تاریخ قطب‌شاهیان اختصاص داده است که تاریخ این‌خاندان را از بدو تأسیس تا دوران حکومت محمدقلی قطب‌شاه در برمی‌گیرد. طباطبا قسمتی از مطالب اثر خود را از تواریخ معتبر سلاطین هند و نیز از کتاب *عیون‌التواریخ و تاریخ محمودشاهی* اقتباس کرده است؛ لیکن بخش مهمی از مندرجات آن مبتنی بر دیده‌ها و شنیده‌های خود اوست و به همین سبب، از اهمیت و اعتبار خاصی برخوردار شده است.

برهان مآثر گذشته از آنکه در تاریخ بهمنیان، قطب‌شاهیان، و نظام‌شاهیان هند از جمله مآخذ معتبر و مهم تاریخی محسوب می‌شود، به‌طور غیرمستقیم از احوال عادل‌شاهیان و پادشاهان گجرات نیز سخن رانده است. این کتاب همچنین حاوی مطالب مفیدی درباره جغرافیای تاریخی شهر احمدنگر و اوضاع و احوال سیاسی و اجتماعی نظام‌شاهیان و نیز چگونگی گرایش مذهبی امرای نظام‌شاهیه از حنفیه به

۱. احمدنگر: (Ahmednagar) شهری در ایالت ماهاراشترا در کشور هند است. این شهر در امتداد رودخانه سینا و در ۲۱۰ کیلومتری کلان‌شهر بمبئی واقع است. این شهر ۱۲۰ کیلومتر با شهر پونه و همچنین ۱۲۰ کیلومتر با اورنگ‌آباد فاصله دارد. احمدنگر توسط ملک‌احمد نظام‌شاه، مؤسس سلسله نظام‌شاهیان، در سال ۱۴۹۰م فتح شد و تا پایان حکومت نظام‌شاهیان پایتخت این حکومت بود.